

نامه های

وزیر مختار ایران

در فرانسه

به وزیر امور خارجه ایران

در زمان سلطنت ناصرالدین شاه

« ۸ »

از

سرانشگر محمود - کی



پښتونستان د علومو او مطالعات فریښی
پرتال جامع علوم انسانی

عریضجات مورخه ۲۴ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۸ نمره ۱۶۷ مشتمل بر شش طغرا

خداوندگارا تعلیقه جات رأفت آیات مورخه چهاردهم ربیع الاول بانضمام بیست و سه طغرا فرمان نشان و منال طلا و نقره که برای مقرب الخاقان میرزا احمدخان مستشار این سفارت و پاره ای از صاحب منصبان دولت فرانسه و اسپانیول و روزنامه نویسها مستدعی شده بودم و از فرط مراحم ملوکانه و از توجهات مخصوصه جناب مستطاب اجل بندگانعالی صادر و لفاً انفاذ شده بود، شرف وصول ارزانی داشت و مایه افتخار و سرافرازی و باعث تشکر و امتنان فدوی و میرزا احمدخان و صاحب منصبان و روزنامه نویسهای مزبور گردید. در حقیقت نمی دانیم چگونه از عهده شکرانه چنین مرحمت بزرگ برائیم. علی الحساب همینقدر از درگاه خداوند متعال مسئلت مینمائیم که روز بروز عزت و جلال جناب مستطاب اجل بندگانعالی را بالا ببرد و سایه مرحمت آن خداوندگاری را از سراین کمترینان کوتاه ننماید.

درفقره شیخ عبدالله واکراد ساوجبلاغ چنانکه در تلو تعلیقه اشاره شده بود، از بدو طغیان و فساد آنها تا امروز از جزئیات امور اتفاقیه فدوی راقرین استحضار فرموده اند و از یادداشتی که بسفارت دول متحابه فرستاده شده و فدوی را از مضمون آنها اطلاع داده بودند، مستحضر شدم و در این باب نیز مراتب تشکرات خود را تجدید میکنم و اگر چه از حالت دولت عثمانی مایوسم و میدانم که آن دولت در همه کارها و علی الخصوص در اموراتیکه متعلق بایران است بمنتهی درجه تکاسل و تغافل دارد، ولی از فضل الهی و از این تدبیرات و اقداماتی که از جانب وزارت جلیله شده است امیدواری حاصل است که آن دولت از این حالت غفلت بیرون آمده تکلیف خود را معمول

داشته و بهمین واسطه حقوق دولت علیه را موافق حق وانصاف از جانب وزارت جلیله بجناب فخر بیک و از جانب جناب معین الملک باعلیحضرت سلطان و بجناب عالی تلقین شده مجری نماید و جان ما را و جان خودشانرا از شر اکراد و از نتایج اعمال شقاوت آمیز آنها آسوده نمایند. در این خصوص نیز باجناب سنت هلر وزیر امور خارجه مکرر گفتگو نموده ام. امیدواری داده و میدهد که بسفیر کبیر دولت متبوعه خودشان مکرر دستور العمل لازمه را داده اند که جناب معین الملک را در اقداماتیکه در این باب در نزد اولیای دولت عثمانی کرده و میکند تقویت و حتی المقدور باجناب معزی الیه همراهی نماید که بلکه مقصود حاصل شود انشاء الله .

چنانکه در ضمن عرایض دو هفته قبل عرض شد، بمحض وصول تعلیقه جناب مستطاب بندگانعالی در سفارش عالیجاه مسیو لمر موزیکانچی باشی مرقوم شده بود، موافق مضامین مندرجه آن مراسله بالا بلندی در باب ارتقای منصب مشارالیه بجناب مسیو سنت هلر وزیر امور خارجه نوشته و از ایشان خواهش کردم که بجناب وزیر جنگ سفارشات لازمه را در آن باب نموده تا اینکه این خواهش که از جانب این سفارت بایشان رجوع شده است، صورت عمل بیاید. اما از قراریکه جواب رسید معلوم میشود که حالت مسیو لمر در خدمت دولت فرانسه مشابیهت بحالت صاحب منصبهای سابق ندارد و موافق قرارداد نظامی و غیر نظامی عالیجاه مشارالیه نمی تواند از امتیازات و ترقیاتی که در حق سایرین منظور بوده و هست بهره مند بشود . برای مزید اطلاع جناب مستطاب بندگانعالی سواد مراسله وزیر امور خارجه را که در جواب مراسله فدوی نوشته است اینک لفاً

میفرستم که بهر جا لازم باشد قدغن فرمایند از مضمون آن اطلاع داده شود .

در باب مخارج سفر روم و ولادی قفقاز و وین و مصارف تلگرافهای ایت ئیل و همچنین بعضی مخارج دیگر که در مسافرت ثانی موکب همایونی شده است ، سابق بر این مکرر عریضه نگار شده و همه وقت وعده شده بود که عنایت خواهد شد ، با وصف این احوال تا بحال نرسیده است . صورت مخارج مزبور را نزد مقرب الحضرت العلیه یا باخان فرستاده ام و بمشارالیه سفارش کرده ام که صورت مزبور را به حضور مبارک جناب مستطاب بندگانعالی برساند . استدعا دارم در این باب همتی فرمایند که بلکه از مرحمت و از توجه مخصوصیه آن خداوندگاری عوض این مخارجی که حسب الامر الاعلی در راه دولت خرج شده است از دیوان اعلی برسد .

البته تفصیل قتل اعلیحضرت الکسندر دویم امپراطور روس بر حسب تلگراف بعرض جناب مستطاب بندگانعالی رسیده است و بی دینی و بی انصافی بالاتر از این نمی شود که هلاک چنین پادشاه رؤوف و رعیت پرور و ملت پرست را باین بی رحمی کسی قصد نماید . اشخاصیکه مرتکب این عمل شقاوت آمیز شده اند ، به خدامعتقدند و نه به شیطان . در نظر آنها انسان مانند نبات است ، نمو میکند و مثل علف میخشکد و بیک اعتقاد دیگر آنها ، که مثل سایر اعتقادات آنها از فاسد هم فاسدتر است این است که باید بنی نوع انسان که از یک جوهر اند با هم مساوی و جمع المال باشند و صاحب این اعتقادات در همه ممالک فرنگستان زیاد است و خیال آنها بر این مجسم شده است که بواسطه این جور فتنه و فساد در همه جا اغتشاش برپا کنند و

شورش بمیان مردم بیاندازند که بلکه باین واسطه باقتدار و بعد از آن به آرزوی خود که کسب مال و ثروت است برسند. چون در مابین دول اروپا اتفاق درستی نیست در قید انقراض نسل چنین فرقه ضاله نیستند و بمقام چاره جوئی در نمی آیند و البته از این غفلت خود نادم و پیشیمان خواهند شد. علی الحساب میدان این فرقه وسیع شده است و چون احدی به آنها متعرض نمی شود مرتکب قتل و فساد هستند و از افعال خود مفاخرت دارند. علی الخصوص دهری های فرانسه که مجلسی آراسته و آنچه در زبان داشتند در کمال شعف و بشاشت بیان میکنند، حتی در روزنامه ها انتشار میدهند. بعضی از حرفهای آنها که در روزنامه های خودشان نوشته شده بود مخصوصاً بریده و برای اطلاع لفاً انفاذ میشود. در باب قتل امپراطور مرحوم چیزها نوشته اند که انسان از شنیدن آن متنفر میشود. بعد از ملاحظه آنها معلوم خاطر عالی خواهد شد که بی دینی و خدانشناسی در اروپا بچه درجه رسیده است. خداوند دولت و ملت ما را از شر چنین کافرها محافظت فرماید.

در باب فقره یونان همینقدر مختصراً عرض میکنم که دولت عثمانی برسوم متداوله که دارد انجام این کار را حتی المقدور طول میدهد و مأمورین دول اروپا را هر بار بیک شیوه تازه فریب میدهد. مقصود او بجز اینکه دولت یونان را اذیت کند و او را بتنگ بیاورد چیزی دیگر نیست. معلوم است همین که حوصله دولت یونان تنگ شد و عاقبت کار بجنگ کشید، آنوقت دولت عثمانی خواهد گفت من برای اصلاح کار حاضر بودم ولی دولت یونان فرصت نداد و عاقبت کار را بجنگ رساند.

گویا باعتقاد فدوی همینطور هم خواهد شد و کار این دو دولت بجنگ خواهد کشید. اما خواه دولت عثمانی فتح بکند یا شکست

بخورد، از این کار خیر نخواهد برد، زیرا چنانکه سابقاً معروض شده بود موافق اعتقاد همه مردان پولتیک دان گویا خیال دول اروپ برای قرار گرفته است که آن دولت را از اقلیم اروپ بیرون کنند و این کار خواهد شد، بلاشبه و همینکه این مقصود عمل آمد دولت عثمانی را در خاک آریا یعنی در مشرق زمین مطلق العنان خواهند گذاشت و هرگاه دولت علیه از حالا استعداد لازمه را برای رفع شر حالت حالیه و آینده فراهم نیاورد، از تعدیات و دست درازی های او آسوده نخواهد ماند و الا وقت آن است که باید با اصلاحات امور داخله و بنای راه آهن و سایر بناها که باعث ترقی یک مملکت است دست انداخت و اسباب پیشرفت جمیع امورات را بنحوی فراهم آورد که احدی را قدرت آن نباشد که بما کج نگاه کند. خلاصه تفصیل همان است که سابقاً بعرض رسانیده ام، زیاده بر این هر چه عرض شود عین جسارت خواهد شد. ۲۴ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۸

عریضجات مورخه ۱۰ شهر جمادی الاخری ۱۲۹۸ نمره ۱۶۸ مشتمل بر دو طغرا

خداوندگارا تلگرافنامه ای که در باب تحصیل اطلاع از لشکر کشتی دولت فرانسه بسمت تونس بمعهد فدوی شرف صدور یافته بود، عز وصول ارزانی داشت. چنانکه با تلگراف مختصراً عرض شد، شرح احوال و چگونگی گزارشات و سبب فرستادن قشون دولت فرانسه بسرحد تونس و خیال آن دولت را از این عزم در تلو عریضجات مورخه ۱۴ شهر جمادی الاولی و بموجب فصل روزنامه فیگارو که ضمناً فرستاده معروض داشته ام. انشاءالله پاکت عریض مزبور رسیده و از تفصیل احوالات استحضار کامل حاصل فرموده اند. میدانم که باید اینگونه احوالات را با تلگراف عرض کرد، اما با این حالت استیصال قوه استطاعت مخایره تلگرافی را ندارم. هرگاه

اولیای دولت علیه کار سفارت پاریس را در مخابره تلگرافی مانند عمل سفارت لندن سهولت میدادند و یا اینکه عوض این قبیل مخارج خارق العاده را چنانکه در همه جا رسم است منظور داشته مرحمت میفرمودند، معلوم است که اکثر از اوقات در وقت لزوم اخبار را باتلگراف بعرض میرساندم اما بدبختانه باین مقرری جزئی که بواسطه عشرو تفاوت پول ایران و فرانسه روز بروز کسر میشود، استطاعتی باقی نمانده است که از عهده این قبیل مخارج نیز برآیم. خدا شاهد است که در قوه احدی نیست که باین مقرری در اینجا سر نگه بدارد و هرکس این ادعا را بکند مثل فدوی بخاک سیاه خواهد نشست. راست عرض میکنم، خانه خراب شده ام و با وصف این احوال نخواهم گذاشت که باسم دولت علیه لکه بدنامی بیفتد. حالا دیگر احیاء کردن فدوی بسته بهمت عالیه اولیای دولت ابد مدت علیه است. در باب فقره لشگرکشی دولت فرانسه بخاک تونس چنانکه از بیانات فصل روزنامه فیگارو استنباط فرموده اند مقصود آن دولت بجز تنبیه و تأدیب عشائیری که در تاخت و تاز بسرحداث خیلی جسور شده بودند سبب دیگر نداشته است. هرگاه بیک تونس جلو آنها را گرفته بود و در این چندسال نمی گذاشت که این ایلات شرور، تعدی و دست درازی بکنند، یقین است که دولت فرانسه متحمل اینهمه خرج و مخارج نمی شد و خودش را بمهلکه جنگ و بخطراتی که از وقوع آن متصور است نمی انداخت. اما با وصف این احوال گویا دولت فرانسه باین قسم عرض لشگر بی میل هم نبود، چرا که از چندسال باین طرف اقتدار دولت ایتالیا بر اقتدار دولت فرانسه در تونس تفوق و برتری بهم رسانیده، اعتنائی بمأمور دولت فرانسه نمی کردند و در این مقدمه بیک تونس هرگز باور نمی کرد که کارها بلشگرکشی برسد. قونسول ایتالیا مکسیونام که آدم خیلی مفسد و زرنگ است بیک تونس را در این باب مشتبه کرده و امیدواری باو

میداده است که دول متحابه اروپا، دولت فرانسه را از لشگرکشی بسمت کرومیر مانع خواهند شد و دولت ایتالیا بمدد بیک تونس خواه آمد و از قراریکه معلوم میشود یک روزنامه موسوم به مستقل در خود ایتالیا بتحریک مشارالیه بزبان عربی چاپ وبخاک تونس و [یک کلمه ناخوانا] فرستاده میشود. در آن روزنامه در ضد دولت فرانسه مضمونها نوشته و می نویسند که از خواندن آن آدم متنفر میشود و خلاصه مأمور ایتالیا اسباب تحریک را بجائی رسانیده است که مافوق آن غیر متصور است، اما گویا فتنه او مثمر نتیجه نشود و بالاخره دولت ایتالیا که محرك اوست مجبور خواهد شد که او را معزول و احضار نماید، تا اینکه خود دولت در زیر تهمت نمانده باشد. علی الحساب لشگر فرانسه از حیث عدد به بیست و پنج هزار نفر رسیده است و مانند یک حلقه آهنین دور و بر کرومیرها را گرفته و روز بروز آنرا تنگتر میکند، تا اینکه کار بجائی برسد که کرومیرها جای گریز نداشته باشند و آنها را یک مرتبه تمام نماید. از وجنات احوال چنان معلوم میشود که لشگر فرانسه عنقریب کرومیرها را بخاک سیاه خواهد نشاند. در وهله اول لشگر فرانسه جزیره تبارک را متصرف شد بعد از آن شهر کف را و در هفته گذشته بندر بزرگ را که نزدیک بشهر تونس است بحیطه تصرف خود در آورده است و از آنجا که بندر مزبور خیلی معتبر است و در جای نقطه خیلی مهم واقع شده است، از حالا در کل روزنامه های اروپا شهرت میدهند که دولت فرانسه بندر مزبور را دوباره به بیک تونس رد نخواهد کرد و محتمل است در صورتیکه دول اروپا از اجرای خیالات باطنی دولت فرانسه اعتراض ننمایند بزرگ را و بلکه سایر نقاط مهمه خاک تونس را متصرف بشود. علی العجاله چنانکه در عرایض سابق معروض شده است دولت فرانسه خیالات باطنی خود را بروز نمی دهد، سهل است

که بصدای بلند میگوید که منظور او از این عرض لشگر بجز تنبیه عشایر کرومیرها دلیل دیگر نداشته است و بمجرد تحصیل مقصود ، لشکر خود را از خاک تونیس مراجعت خواهد داد و گویا اینطور هم بشود ، زیرا هرگاه خلاف آن واقع شود دول اروپا راضی بتصرف تونیس نخواهند شد و اسبابی فراهم خواهند آورد که ناپره جنگ و جدال عالم گیر شود. وقتیکه لشگر فرانسه داخل خاک تونیس شد و جزیره تبارکه و شهر کف را متصرف شد، بیک تونیس از تجاوز لشگر فرانسه پروتست یعنی اعتراض کرده و بموجب آن بجمع دول اروپا انتشار نامه فرستاد که دولت فرانسه را از آن تجاوز منع نمایند، ولی اعتنائی بتحریرات او نشد و لشگر فرانسه کما فی السابق مشغول اجرای نیات خود بوده و هست. در اول ورود لشگر فرانسه بکوههای کرومیر در سمت سرحد ایالت اوران که نزدیک سرحد ماروک است، عشایر طرفین یعنی ایلاتی که تابع فرانسه و ماروک اند بتحریرک مشایخ اعراب علم عصیان را برافراشته بنای مخالفت را پیش گرفته بودند. از قلعه ژری ویل که در بلوک مسکارا واقع است مسیو وین برنر نایب با چهار نفر سپاهی پیش رفته که دو نفر از اشرار را بگیرد ولی بمحض رسیدن، اعراب او را دستگیر کرده و با سوارهایی که همراه او بوده بقتل رسانیده بودند. حالاکمک زیاد به آن سمت ها فرستاده اند، ولی فرانسوی ها هنوز هم از عهده آنها بر نیامده اند. همه روزه دسته بدسته از فرانسه قشون به آن صفحات فرستاده میشود و گویا با این استعدادی که هست و روز بروز فراهم می آید شورشیان نتوانند کاری از پیش ببرند و بالاخره بسزای عمل خود گرفتار خواهند شد. از قراریکه در روزنامه های انگلیسی شهرت میدهند، قرار مصالحه بشرایط ذیل اختتام خواهد پذیرفت .

اولا عزل و تنبیه مصطفی بن اسماعیل وزیر اعظم بیک تونیس

ثانیا بيك تونیس بندر بزرگ و يك قسمت خاك كرومیر را بدولت فرانسه بدهد

ثالثاً بيك تونیس باید متمهد بشود که جمیع امورات دیپلوماتیکه را قبل از رجوع آنها بمأمورین خارجه بتصدیق مأمور فرانسه برساند. رابعاً شهر کف و [يك كلمه ناخوانا] در تصرف دولت فرانسه خواهد آمد تا روزی که تمامی خسارت و مخارج جنگ را که بر عهده بيك تونیس وارد خواهد آمد بتمامی بدولت فرانسه کارسازی شود. دولت عثمانی نیز خواست اظهار حیاتی نماید و ادعای او این بود که تونیس در تحت سلطنت عثمانی است و دولت فرانسه می بایستی با او سؤال و جواب نماید، اما دولت فرانسه این ادعای دولت عثمانی را رد کرده استقلال تونیس را کما فی السابق برقرار و با استقرار دانسته و میداند. شهرت میدهند که مشایخ ممالک تونیس، اعراب آنجا را بجهاد و بلکه بقتل فرنگی ها دعوت مینمایند ولی تا بحال آثاری از این شهرت ها ظاهر نشده است. علی الحساب بیش از این خبر قابلی نبوده که بعرض آن جسارت شود.

خداوندگارا دولت عثمانی نیز از تجاوز دولت فرانسه بخاک تونیس پروتست کرده و بجمیع دول اروپ در آن باب انتشار نامه فرستاده بود، ولی بحرف او نیز اعتنائی نشده غائله فیما بین دولتین عثمانی و یونان را نزدیک باصلاح میگویند و موافق قاعده باید اینطور هم باشد، زیرا که دول متحابه اروپ متفق الرأی و دست بدست داده بودند که ادعای طرفین را باصلاح بگذرانند، اما باوجود این احوال اعتقاد فدوی این است که این عمل بدون زدو خورد و بدون خونریزی سرانجام نخواهد گرفت. تا خداوند چه مقدور کرده باشد.

۱۰ شهر جمادی الاخری ۱۲۹۸

عریضجات مورخه ۲۰ شهر جمادی الاخری ۱۲۹۸ نمره ۱۶۹ مشتمل بر دو طغرا

خداوندگارا در ضمن عریضجات مورخه دهم شهر حال معروض شده بود که لشگر فرانسه در همین نزدیکیها از عهده کرومیرها خواهد برآمد و عنقریب این کار صورت اختتام خواهد پذیرفت. چهار روز بعد از ارسال عریضجات مزبور معلوم شد که جنرال برآز مأمور بوده از سمت بزرگ با سه چهارهزار نفر بر سر شهر تونس برود و در صورتیکه بیک تونس تکالیف مصالحه را رد نماید آنجا را متصرف شود. جنرال مزبور بمحض رسیدن به نزدیکی آن شهر از بیک تونس وقت ملاقات خواسته تکالیف مصالحه را تبلیغ نماید. اگر چه مضمون اصل مصالحه نامه هنوز انتشار نیافته است، اما از قراریکه معلوم میشود شرایط آن بهمین مضمون است که روزنامه های انگلیس شهرت داده بودند و فدوی در جزو عریضجات همین ماه قلمداد کرده بودم. خلاصه این کار بدون زدو خورد و خونریزی انجام پذیر شد و دولت فرانسه اقتداری که میخواست در تونس داشته باشد، بواسطه همین لشگرکشی و خودنمایی و بموجب امضای مصالحه نامه موفق شد. تفصیل ملاقات جنرال برآز با بیک تونس و امضای مصالحه نامه و اعلامنامه این خبر از جانب خود او به دولت فرانسه و از جانب رئیس شورا بوکلای ملت مشروحاً در روزنامه لسوار نوشته شده بود که اینک عیناً برای مزید اطلاع در لف همین عریضه انفاذ حضور مبارک مینمایم. از قراریکه مذکور میشود، دولت عثمانی از این مصالحه بدش آمده است و از بیک تونس مؤاخذه کرده است که چرا مصالحه نامه را امضاء کرده است. بیک بیچاره در جواب گفته است که او را مجبور کردند و چون نمیخواست خون ناحق ریخته بشود تکلیف خود را در این دید که شرایط مصالحه را قبول و امضاء نماید و اگر چه حالا دولت عثمانی و خود بیک تونس از این حرکت دولت فرانسه

پروتست کرده اند ولی کسی گوش بحرف آنها نکرده و نخواهد کرد تا به بینیم بعد از این چه بروز کند .

بموجب تعلیقه رفیعه مورخه ۲۲ جمادی الاول در باب دو تعلیقه سابقه که بخط فرانسه بود اشاره فرموده بودند که قرار جناب مستطاب اجل بندگانعالی در مکاتبه با فدوی همیشه بفارسی نویسی است و نه بفرانسه . بلی فرمایش آن خداوندگاری صحیح است ، ولی چونکه این دو تعلیقه در روی کاغذ مهرداد وزارت جلیله امور خارجه نوشته و امضای آن خداوندگاری در ختم آنها گذاشته شده بود ، یقین کردم که حسب الامر الاعلی مرقوم شده است و از آنجا که او امر بندگانعالی بر این فدویان لازم و واجب است ، بنا علیه بمجرد وصول آن دو تعلیقه چنانکه در ضمن عریضجات نهم ربیع الثانی معروض شده است اقدامات لازم را در باب مبادله نشانها با دولت حضرت پاپ و با دولت اسپانیه کرده ام اگرچه جواب قبول هنوز هم نرسیده است ولی از قراریکه امیدواری داده اند باید برسد . تعلیقه های مزبور را امر شده بود عیناً پس بفرستم محض اطاعت او امر جناب مستطاب اجل بندگانعالی اینک هر دوراً لفاً بحضور مبارک ارسال مینمایم و استدعا میکنم که نویسنده و امضا کننده آن دو تعلیقه را عفو فرمایند و قلم گذشت بر تقصیر آنها بکشند .

۲۰ شهر جمادی الاخری ۱۲۹۸

عریضجات مورخه ۱۵ رجب المرجب ۱۲۹۸ نمره ۱۷۰ مشتمل بر سه طغرا

خداوندگارا تعلیقه مهر طلیعه ای که در ۱۷ شهر جمادی الاخر در باب استخلاص اشایا نام ولد سرخوش از آزیل دوکلر شرف صدور یافته بود ، عز و صل بخشید . در همانوقت ها که این بیچاره گرفتار

شده بود بندوقی نیز از حکومت شهر اطلاع داده بودند و بمجرد استحضار از گرفتاری او آدم فرستادم و او را از آزیل مزبور بیرون آوردند و معادل بیست و پنج تومان از بابت مخارج سفر باو دادم و او را روانه ارومی کردم. باوصف این احوال نمی دانم چرا باز این فقره از اینجا بشارژدافر فرانسه نوشته اند؟ خلاصه اشایا دیوانه نبوده، از بی زبانی و از بی خرجی او را در سلك دیوانه ها انداخته بودند. مجبوراً مخارج سفر او را متحمل شدم و راه انداختم. اشایا تنها نیست که از ایران بپاریس آمده است. سالی چهار پنج نفر از این قبیل باینجا می آیند و مایه خسارت این سفارت میشوند. چون دولت علیه مثل سایر دول متحمل مخارج این قبیل اشخاص نمی شود، لابد و ناچار از خودم مخارج آنها را میدهم تا اینکه اسباب رسوائی فراهم نیاید

تلگراف نامه ای که در فقره طلب خیرالحاج حاجی علینقی از حاجی محمد باقر شرف صدور یافته بود، در سیزدهم شهر حال عز وصول ارزانی داشت. قریب بیكسال ونیم است که این عمل از جانب وزارت جلیله امور خارجه باین فدوی رجوع و تاکید شده بود که وجه طلب حاجی علینقی را که معادل هفتصد و پنجاه امپریال روس است با منافع از حاجی محمد باقر وصول نمایم. در آنوقت حاجی محمد باقر در ماریسی و در خدمت خانه تجارتی اشرف الجاج حاجی محمد حسن تاجر اصفهانی بود، باین معنی که حاجی محمد رحیم برادر حاج مشارالیه خودش از ماریسی بایران عزیمت کرده و حاجی محمد باقر را در سرخانه خود گذارده بود. بمجرد وصول احکام وزارت جلیله حاجی باقر را بپاریس طلبیدم. مومی الیه پیش از آمدن از حاجی محمد رحیم اجازه خواسته بود که بپاریس بیاید. بجای

اینکه جواب برای او برسد، از جانب جناب اشرف سپهسالار تلگراف بقدوی رسید که متعرض حاجی محمد باقر نشوم تا اینکه حاجی محمد رحیم از دارالخلافه به ماریسی مراجعت نماید. از قراریکه معلوم شد حاجی محمد رحیم در دارالخلافه طهران شخصاً ضمانت کرده که وجه طلب حاجی علی نقی را خودش وصول نماید و وقتیکه دو ماه قبل براین وارد ماریسی شد میانه او و حاجی محمد باقر در باب مقرری بیست ماهه که در خانه او خدمت میکرده است معارضه شد. بعد از گفتگوی زیاد حاجی محمد باقر از دست حاجی محمد رحیم بدیوانخانه تجارتی عارض میشود و ادعا میکنندکه مبلغ پانزده هزار فرانک از بابت مقرری بیست ماه و بیست هزار فرانک از بابت خسارتی که در اینمدت باو وارد شده از حاجی محمد رحیم مطالبه مینماید. حاجی محمد رحیم چگونگی گزارشات را باین سفارت اظهار داشت و خواهش کرد که هر دو را بیاریسی احضار نمایم. هر چه بحاجی محمد باقر تکلیف کردم بیاید بهانه آورد که نان خوردن ندارم و تا حق من نرسد نمی توانم از ماریسی حرکت کنم. چون باین حرفها باور نمی کردم کیفیت را بوزارت خارجه اینجا اظهار نمودم و خواهش کردم که حاجی محمد باقر را حکماً بیاریسی بیاورند. در وزارت امور خارجه گفتند از آنجا که عمل این دونفر بدیوانخانه تجارتی ماریسی رجوع شده است، موافق قانون اینجا نمیتوان آنها را باینجا آورد. گفتم هر دو ایرانی اند و کار آنها باید در سفارت دولت علیه ایران بگذرد. گفتند راست است، ولی باید این فقره برضای خاطر طرفین باشد والا در صورتیکه یکی از آنها نخواهد بیاریسی بیاید، حکومت اینجا حق جبر باو ندارد. مگر ندیدید هر تمان نام را که در سر راه آهن مسکو قصد هلاک امپراطور روس را کرده بخاک فرانسه آمده بود و از جانب دولت روس او را خواستند و موافق قانون این مملکت نتوانستیم او را بدولت روس تسلیم نمائیم. گفتم بلی هر تمان

قاتل بوده، هرگاه او را تسلیم دولت روس میکردید گمان اذیت در حق او میرفت، اما درباب این دو نفر ایرانی من نمیخواهم بمپیچ - يك از آنها اذیت بشود. گفتند ما این را میدانیم ولی قانون ما این است و حکومت حق ندارد بعملی که بدیوانخانه رجوع شده است دخل و تصرف نماید و هرگاه هم بنویسیم بحرف ما گوش نمی دهند. دیوان عدالت در همه جای فرانسه حکم واحد دارد. چون کار بدیوانخانه ماریسی رجوع شده است، در آنجا در کمال عدالت در این کار رسیدگی خواهد شد خلاصه در اینجا قرار امور دیوانخانه عدالت باین سبک ها داده شده است و اختیار عمل در دست دیوانخانه است و مأمور خارجه مداخله ندارد. این قاعده عمومی است اگر رعیت انگلیس یا دولت دیگر هم باشد، بهمین طور در حق آنها رفتار میشود. حالا بجز اینکه از حاجی محمد رحیم در ترجمه کاغذهای تجارتي و تصدیق نامه های خوب که باو داده ام، نمی توانم بطور دیگر مداخله بکار آنها نمایم. تا بحال چندین کاغذ ترجمه شده را که مصدق قول حاجی محمد رحیم و مغرب ادعای حاجی باقر است بامضای این سفارت رسانیده و تصدیق نامه نیز برای حاجی رحیم داده ام که طلب حاجی علینقی باحق است و باید برسد. انشاء الله در این باب حق حاجی علی نقی ثابت خواهد شد ولی در فقره مقرری باوصف تصدیق نامه این سفارت معلوم نیست حق بجانب که خواهد شد. باری نهایت جد و جهد را در باب وصول هفتصد و پنجاه امپریال دارم و حتی المقدور از حاجی محمد رحیم حمایت کرده و خواهم کرد که حاجی محمد باقر بآن نادرستی هائیکه دارد نتواند به حاجی رحیم تعدی کند. اما هرگاه از خود حاجی علینقی استفسار فرمایند معلوم خواهد شد که باعث عدم وصول طلب مشارالیه از حاجی باقر حاجی محمد رحیم شده است. هرگاه این قدر از حاجی باقر حمایت نمی کرد کار باینجا نمی کشید. مخلص، حالا حاجی باقر

اظهار افلاس میکند و بجز يك بارخانه فیروزه سر بمهر که در صندوق حاجی محمد رحیم امانت بود و سفارش کرده ام ضبط کند و باورد ننماید، چیز دیگر در ظاهر ندارد. باوصف این احوال، همین که کار بدست فدوی رسید باز تدابیر لازم را بکار خواهم برد که بلکه طلب حاجی علی نقی برسد و معلوم است آنچه تکلیف مأموریت و فرض انسانیت است بقسمی بکار خواهم برد که نه در نزد نفس خودم و نه در خدمت اولیای دولت علیه شرمنده بمانم، اما چه فایده که آن فرصت خوب از دست این سفارت گرفته شد. هرگاه حاجی محمد رحیم به آنطورهاییکه رفتار کرد از حاجی محمدباقر حمایت و جانبداری نمی کرد در همانوقت ها هم وجه طلب حاجی علی نقی وصول میشد و حالا بزحمت مرافعه نمی افتاد.

از قراریکه مقرب الحضرت العلیه میرزا احمد عکاسباشی اظهار داشت معلوم میشود که بعد از چندین سال خدمت از جانب سنی - الجوانب بندگان اعلی حضرت اقدس همایون روحنا فداه بموجب دستخط امر و مقرر شده بود که یکصد و پنجاه تومان بصیغه مواجب در حق مشارالیه برقرار شود. در موقع عزیمت او که حسب الامر الاعلی مأموریت بهم رسانیده که بفرنگستان بیاید و بتحصیل و تکمیل بعضی فنون و صنایع متعلیقه بعلم عکاسی مشغول شود، فرمان مواجب مشارالیه شرف صدور یافته و بتصدیق مقرب الخاقان میرزا مسیح وزیر و میرزا ولی مستوفی، محل آنرا از مازندران قرار داده بودند و محل مواجب از مقرری پسر علی اکبرخان که برادر قهار قلیخان حاکم بارفروش است. خود علی اکبرخان و پسر او هر دو مرحوم شده و اولاد از آنها باقی نمانده و بهمین جهت و بواسطه اینکه وارث در میان نبود، آن یکصد و پنجاه تومان درباره میرزا احمد برقرار

شده بود، ولی از قراریکه در این روزها از طهران خبر رسید، قهار - قلیخان با خواهرش بطهران آمده و با شتاب کاری که محل مزبور وارث دارد، دستخط صادر نموده و محل موجب مشارالیه را در حق خودشان برگردانیده اند و حال اینکه موافق رسوم متداوله دیوانی عمو یا خاله یا خواهرش وارث موجب نیستند. در حقیقت در صورتیکه این خبر صحت داشته باشد، ظلم از این بزرگتر نمی شود که در حق او شده است، زیرا که او آدم با استعداد و با قابلیت است و لیاقت او بالاتراز اینهاست که دارای یکصد و پنجاه تومان بوده باشد. چنین نوکرهای قابل، لیاقت این را دارند که موجب سرهنگی و بلکه موجب سرتیپی داشته باشند. حالا بنا باین احوال و نظر بقابلیت و لیاقت چنین آدم هنرمند، هیچ انصاف نیست که موجب او باین طور قطع شود. اعتقاد فدوی اینست که قدر چنین نوکرها را که بکار دولت و ملت میخورند و مصدر و منشاء آثارهای با ثمر هستند باید دانست و در حق آنها بیش از اینها مراعات کرد. در عالم دولت و ملت خواهی، از فرایض خود میدانم استدعا نمایم که مرحمت کرده رفع این ظلم را از مشارالیه فرمایند، بطوری که بتواند به آسودگی و فراغت مشغول تحصیل و تکمیل عمل خود باشد و امیدوارم که استدعای فدوی بدرجه اجابت خواهد رسید.

۱۵ شهر رجب ۱۲۹۸

کتابخانه مدرسه فیضیه قم

عریضجات ۲۹ شهر رجب ۱۲۹۸ نمره ۱۷۱ مشتمل بکظرفرا

خداوندگارا سابقاً بوجه اختصار عرض کرده بودم که رأی حضرت ملکوتی مرتبت پاپ بر این علاقه گرفته بود که علامتی از علایم لطف آمیز خودشان را نسبت به آن خداوندگاری ظاهر فرمایند. وقتیکه این حرف بمیان آمد فدوی آن نیت پاک و پسندیده را تصدیق

نموده به جناب ایلچی کبیر آن حضرت گفتم که ظهور و اعطای چنین علامت خیلی بجا و باعث شرف و مسرت خاطر خواهد شد و در آن ضمن برای چهار نفر از صاحب منصبان وزارت جلیله امور خارجه و این سفارت نشان از درجات مناسبه تمنا نمودم. حالا نشانها بتوسط ایلچی حضرت پاپ رسیده و فرامین آنها را لفاً انفاذ حضور مینمایم و اصل نشانها را بوسیله دیگر میفرستم. هرگاه در این وقت از جانب سنی الجوانب بندگان اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده نیز بچند نفر از وزرا و صاحب منصبان دربار حضرت پاپ و سفارت اینجا نشان مرحمت شود، خیلی بجا و بموقع خواهد شد، زیرا که چندین دفعه از جانب حضرت پاپ هدایائی از هر قبیل بغاکی پای مبارک همایونی فرستاده شده است و از جانب سنی الجوانب اقدس شهریاری اظهار تلافی نسبت به حضرت پاپ و کسان آن حضرت نشده است. اسامی اشخاصی را که استحقاق نشان دولت علیه را دارند، اینک در جوف همین عریضه انفاذ میدارم و مستدعی ام طوری مرحمت فرمایند که بزودی برسد و اسباب سرافرازی حاصل آید.

۲۴ شهر رجب ۱۲۹۸

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

عریضجات مورخه ۲۴ شهر شعبان ۱۲۹۸ نمره ۱۷۲ مشتمل بر سه طغرا

خداوندگارا جواب تلگرامی که در باب وصول طلب حاجی علینقی و حاجی محمد رحیم و حاجی محمد باقر رسیده بود، تحریراً و بموجب تلگراف معروض داشته ام. بعد از آن در همین روزها تعلیقه ای که در شهر رجب در همان باب شرف صدور یافته بود، عزووصول بخشید. تعلیقه مزبور را خود حاجی محمد رحیم از ماری فرستاده و ضمناً خودش هم باین سفارت اطلاع داده بود که حاجی محمد باقر از ماری حرکت نموده بسمت وینه رفته است. بمحض اطلاع از این خبر شرح

احوال را بجناب نریمان خان نوشته و سواد تعلیقه را برای ایشان فرستاده و آنچه لازمه تأکید بود خدمت ایشان نمودم که حاجی مومی- الیه را بسفارتخانه احضار و طلب حضرات را از او اخذ نماید . اما از قراریکه از معزی الیه جواب رسید ، معلوم میشود که حاجی محمدباقر بوینه نرفته است و معلوم نیست بکجا رفته است . بینی و بین الله حاجی محمدرحیم در این باب خیلی غفلت کرده است . موافق قاعده و تعهداتی که در طهران کرده بود می بایستی باطلاع دیوانخانه نگذارد حاجی محمدباقر از ماری حرکت کند . حالتمی دانم چه طور شده است که مانع نشده است . حاجی محمدرحیم در طهران و در اینجا مکرر اقرار کرده است که حاجی محمدباقر بقدر کفایت ادای طلب حاجی نقی فیروزه دارد و بارخانه فیروزه او در صندوق حاجی محمد رحیم ضبط بود . از روزی که این مرافعه شروع شده است ، حاجی محمدرحیم میگوید که از حاجی محمدباقر فقط یک بسته بارخانه فیروزه در صندوق من مانده است و به قرینه از دو بست یاسیصد تومان زیادتر ارزش نباید داشته باشد . خلاصه از قراریکه می بینیم حاجی محمدرحیم باوصف تعهداتی که کرده است ، در این باب خیلی غفلت کرده است . صریحاً عرض میکنم که هرگاه حاجی محمدرحیم به تعهدات خود وفا میکرد کارها باینجا نمی رسید و طلب مردم سوخت نمی شد . دو طغرا تعلیقه رفیعه مورخه ۱۸ شهر رجب که در جواب عریضجات فدوی شرف صدور یافته بود عز وصول بخشید ، محض اطلاع خاطر خطیر جناب مستطاب بندگانعالی عرض شد .

در جزو عرایض سابقه در باب شقاوت بعضی عشایر اعراب در سمت جنوب ژریویل که آنهم در جنوب ایالت اوران واقع است ، شرحی معروض داشته اشاره کرده بودم که اعراب مزبور یک نفر

صاحب منصب فرانسه را با سه نفر سپاهی به قتل رسانیده بودند . از آنوقت تا بحال فرانسها نتوانسته اند از عهده شورشیان برآیند . از قراریکه مذکور است يك نفر از مشایخ آن نواحی که خود را برگزیده خدا قلم میدهد و اعراب بدوی را بجنگک فرنگها طلبیده ومی طلبد، مشغول تاخت و تاز سرحدات اوران است. اسم او را بعضی بوامینه و برخی دیگر بوعمامه میگویند و از وقت ظهورش بقدر دو و سه هزار نفر از سواره و پیاده در دوروبر خود جمع کرده و بهر جا که میرسند آبادی باقی نمیگذارند. در سمت سیدابرسر دروگرهای علفا که يك علفی است که در خاک الجزایر میروید و مال او را خوب میخورد و از آن کاغذ هم میسازند علی الفقله میریزند و جمع کثیری از آنها بقتل میرسانند و بقدر چهل نفر اسیر میبرند. دروگرهای مزبور همه از اهالی اسپانیه بودند که بفعلکی همه ساله به آنها می آیند و حالا از جانب دولت اسپانیه خسارتی را که بتبعه آن دولت وارد شده است میخواهند. لشگر فرانسه که در آن سمت متفرق است واردوهای متعدد دارد بواسطه شدت گرما نمی توانند بوعمامه را دستگیر کند و از قراریکه می نویسند گویا تا دوسه ماه دیگر نتوانند از عهده او برآیند، اما در فصل پائیز همینکه هوا رو باعتدال گذاشت، میگویند او را خواهند گرفت و بسزای خود خواهند رساند. علی الحساب میدان چپاول برای او وسیع است تا خدا چه مقدر کرده باشد. در مملکت تونس هم یعنی در بندر اسفاکس که در جنوب تونس واقع است بمحض اینکه دولت فرانسه يك قسمت لشگر خود را از آن ولایت مراجعت داد، اهالی آن بندر باستعانت بعضی عشایر علم سرکشی را بلند کرده ، بنای شورش و تاخت و تاز را گذارده بودند . بمجرد اطلاع از این خبر، حسب الامر چند فروند از کشتی های جنگی دولت فرانسه از راه دریا بر سر بندر مزبور رفته و آنجا

را بدم توپ گرفته و در هفته گذشته آنجا را بحیثه تصرف خود در آورده و از شورشیان جمعی را بقتل رسانیده و بقیه را تعاقب کرده و میکند. معلوم است بالاخره دولت فرانسه شورشیان تونیس و الجزایر را تمام خواهد کرد، اما علی‌الحساب شورشیان هم خسارت کلی بدولت فرانسه رسانیده و میرسانند. در سرحدات تریپولی نیز که از ایالات متعلقه بدولت عثمانی و در مشرق تونیس واقع است حرکتی میکنند و سرحدات تونیس را مغشوش کرده‌اند و دولت فرانسه اغتشاش آنجا را بتحریک دولت عثمانی حمل میدهد و در این باب سؤال و جوابی در میان آن دو دولت شده است و از جانب دولت عثمانی جواب کافی داده شده که باعث سکوت فرانسه شده است. از این اغتشاش برای فرانسه بوی خیر نمی‌آید. خدا میداند عاقبت این هنگامه بکجا خواهد کشید. انشاءالله بعد از آنکه از باطن کار مستحضر شدم تفصیل احوالات را بمرض خواهم رسانید.

در اول ورودم بیاریس بمحض اینکه شنیدم که در خاک فرانسه از امتعه ایران زیادتر از امتعه عثمانیه وجه گمرک اخذ میشود، بمقام سؤال و جواب برآمده اعیان دولت بهیه فرانسه را باین فقره ملتفت نموده و بموجب فصل چهارم عهدنامه دولتی و تجارتی منعقد شده فیما بین دولتین ذی‌شکوکتین ایران و فرانسه که باین مضمون نوشته شده است: (هرگونه امتعه و اقمشه که اتباع دولتین علیتین معاهدتین بمملکت یکدیگر نقل نمایند و یا از مملکت همدیگر بیرون ببرند وجه گمرکی که از تجار و اتباع دول کامله الوداد حین ورود امتعه و محصولات ایشان بولایت دولتین و حین خروج از مملکتین مطالبه میشود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد) اجرای حقوق دولت علیه را که بواسطه فصل مزبور ثابت است، مطالبه نموده و صریحاً خاطر نشان

ایشان کردم که موافق شروط منعقدہ نباید تبعه و تجار ایران از امتیازاتی که از جانب دولت فرانسه در حق تبعه و تجار دول کامله الوداد مقرر شده است خارج باشند. در مقابل ادله فدوی جواب ایشان این شد که ما هرگز تبعه دولت علیه را از امتیازات مقررہ خارج نکرده و نخواهیم کرد. گفتم راست است در باب امتعه ما و امتعه سایر دول امتیازی قرار نداده اند، ولی ایراد من در باب امتعه دولت عثمانی است. از قراریکه مشاهده میشود، از امتعه آن دولت در صده و وجه گمرک اخذ میشود و از امتعه ما که بمنزله امتعه آنها است در صد پانزده و بلکه در صد سی و شش وجه گمرک گرفته میشود. جواب گفتند که با دولت عثمانی یک شرط نامۀ موقتی بسته ایم که بمیچوچه من الوجوه مشابہت بعهدنامہ شما و دولتهای دیگر ندارد و این شرط نامہ از عہدنامہ های دولتی و تجارتی خارج است و موافق قوانین و اصول متداولہ بین الملل قرار نیست دولی را که با ما عہدنامۀ دوستی و تجارتی دارند، از حقوق و امتیازاتی که بموجب شرط نامۀ مخصوصی درباره دولت عثمانی مقرر است بهره مند نمائیم. گفتم من اصول را خوب فهمیده ام ولی موافق نص قاطع فصل چهارم عہدنامہ ما هم می خواهم که مثل آن شرط نامہ که با دولت عثمانی بسته اید با دولت ایران هم ببندید. خلاصہ بعد از اصرارها و گفتگوی زیاد و مکاتبہ متعدده حرف دولت فرانسه این شد که با وصف اینکه با دولت عثمانی قرارنامۀ مشروطی و موقتی داریم و با وجود اینکه قرارنامۀ مزبور بعہدنامہ های دول کامله الوداد مدخلیت ندارد، ولی از آنجا که منظور نظر اولیای دولت فرانسه باز دیاد روابط دوستی و تجارتی با دولت علیه ایران بوده و هست محض رعایت این حالت استثنائاً این تکلیف شمارا قبول مینمائیم تا اینکه بعد از این تبعه و تجار ایران از این امتیازی که مشروحاً بتبعه دولت عثمانی

داده شده است، بهره‌مند باشند. سواد نوشتجاتیکه در این باب با وزارت خارجه اینجا رد و بدل شده است، همه را در موقع خود بوزارت جلیله امور خارجه با شرح احوال معروض داشته‌ام و باید در دفتر جلیله باشد. هرگاه جناب مستطاب بندگانعالی به آنها رجوع فرمایند، خواهند دید بچه زحمت و بچه مشقت این مسئله را از پیش برده‌ام و لله الحمد از آنوقت الی‌الیوم این حق ما مجری بود. اما از قراریکه مذکور میشود، مدت قرارنامه مشروطی دولت عثمانی با دولت فرانسه نزدیک با تمام است و در صورتیکه این دو دولت به تجدید قرارنامه مزبور مایل نباشند، آنوقت عمل تجار و تبعه ایران بازم در تحت حکم تجار و تبعه سایر دول خواهد شد. از حالا از جانب دولت فرانسه کتابچه‌ای در باب وجوهات گمرکی که از امتعه دول هم عهد باید اخذ بشود، نوشته شده و انتشار یافته است. از قراریکه در آن کتابچه نوشته‌اند، از فرش و پارچه‌های ضخیم پشمی موافق قرارداد ازمنه سابقه و زناً و نه از روی قیمت مال وجه گمرک مطالبه و اخذ خواهد شد. چون در این اوقات فرش زیاد از ایران باینجاها می‌آید و معامله فرش بر سایر امتعه ایران مقدم شده است و از آنجا که فرش ما بر حسب قماش و سفت بافی از فرشهای سایر ممالک مشرق زمین سنگین‌تر است، بنا علیه وجه گمرک آن بالمضاعف زیادتر خواهد شد و نرخ فرش ما را بکسادای خواهد انداخت و بهمین واسطه از این حالت، ضرر کلی برای تجارت ما مترتب خواهد شد. تلافی اینگونه ضررها آسان می‌بود، در صورتیکه ما هم مثل دولت فرانسه مطلقاً العنان میشدیم، اما بدبختانه بواسطه عهدنامه دوستی و تجارتی که با دولت روس داریم و حالا سرمشق سایر عهدنامه‌ها شده است و بواسطه اینکه در این عهدنامه‌ها قید شده است که در حق این همه دولت‌ها همان سلوکی خواهد شد که درباره دولت کامله‌الوداد یعنی

کتابخانه
موزه و مرکز اسناد
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

روس میشود، دست و پای مابطوری بسته و اختیار عمل گمرک بقسمی از دست ما گرفته شده است که بجز ضرر در این اداره چیز دیگری برای ما مترتب نیست. در کجا شنیده شده است که باید ما در فرانسه و سایر جاها در صد ده و در صد سی و شش گمرک بدهیم و دولت فرانسه و امثال او در خاک ایران از همه بابت فقط در صد پنج وجه گمرک بدهند؟ اینگونه معامله اسباب خرابی يك مملکت است، زیرا بازار امتعه و محصولات ایران بجهت زیادی گمرک در خارجه روز بروز کساد خواهد بود و بازار امتعه و محصولات خارجه در ممالک محروسه رواج پیدا خواهد کرد و بواسطه گرانی و کسادى، امتعه و محصولات ایران ضایع و رو بتنزّل و اسباب فرنگی بجهت ارزانی و سهولت عمل رو بترقی خواهد گذارد. خلاصه اسباب خرابی تجارت ایران بهمان واسطه ها بنحوی فراهم آمده است که هرگاه اولیای دولت علیه چاره برفع آن نکنند، عمل تجارت و اوضاع صنعت ایران از اینها هم زایل تر خواهد شد. حال برای تلافی مافات و رفع این علت، دو چاره بنظر می آید؛ یکی این است اولاً هرگاه ممکن باشد قرارداد معاهده دوستی و تجارتی که متعلق بگمرک امتعه دولتی ایران و روس است، تغییر و تبدیل شود؛ و ثانیاً در صورتیکه اجرای این تکلیف بواسطه امتناع دولت روس مقدور نباشد، این فدوی و یا اینکه مأمور دیگر را مأموریت بدهند، تا اینکه در اینجاها اقدامات لازمه را در باب تغییر و تبدیل عهد نامه هائی که با دول متحابه اروپا منعقد شده است بکار ببرد. با دولت اسپانیه در باب تجدید عهد نامه استنکاری شده است. از قراریکه فهمیده ام گویا باین کار مساعد است. هرگاه مأذونم فرمایند با سفیر کبیر آندولت رسماً گفتگو نموده و در صورتیکه در این حالت باقی مانده باشند، اساس عهد نامه جدید را بنحوی ترتیب خواهیم داد که بعون الله تعالی سر مشق سایر معاهدات بشود.

اگر صلاح بدانند با دولت فرانسه نیز در این باب حرفی بمیان نخواهم آورد که بلکه از فضل الهی و توجه مخصوصه و تعلیمات کافیه جناب مستطاب بندگانعالی خدمت بزرگی بدولت علیه و باین واسطه رفع خسارات وارده در آتیه بشود .

۲۴ شهر شعبان المعظم ۱۲۹۸

عریضجات ۲۵ شهر رمضان ۱۲۹۸ نمره ۱۷۳ مشتمل بر چهار طغرا

خداوندگارا تعلیقۀ رفیعۀ که بتاریخ یازدهم شهر شعبان المعظم بسرافرازی این فدوی شرف صدور یافته بود، عزووصول ارزانی داشت . بمجرد زیارت آن اقدامات لازمه را در تحصیل کتاب زر و دولت فرانسه بعمل آورده، نه جلد کوچک و بزرگ از آن که دایر بمسئله دولسینو و یونان و ماروک است، جمع آوری کرده و به عالیجاه مقرب الحضرت میرزا احمد عکاسباشی که ده و پانزده روز دیگر عازم ایران است تسلیم نموده که در وقت ورود تقدیم نماید. آن دومدال اگسپوزیسیون را نیز که یکی طلاست و دیگری از برنج سر بمهر بمشارالیه تحویل داده ام که آنها را هم با کتابهای مزبور در یکجا برساند. امیدوارم بخوبی و بی عیب خواهد رسانید و از آنجا که در این مدت مدید در تکمیل علم عکاسی و چاپی خیلی زحمت ها کشیده و بهمه جهت استحقاق همه چیز را بهم رسانیده است، در ظل سایه و حمایت و توجه مخصوصه جناب مستطاب بندگانعالی مورد الطاف و عواطف ملوکانه خواهد شد .

از بیست روز متجاوز است که برسم متداول با اهل و عیال به بیلاق دویل که در کنار دریای مانس و در چهار ساعتی شهر پاریس واقع است آمده ، جابجا شده ایم . اگرچه مقرب الخاقان میرزا احمد

خان مستشار این سفارت را در پاریس گذاشته ام ، ولی هروقت از اوقات که کار واجبی پیش بیاید خودم نیز بپاریس میروم. تا یک ماه دیگر در اینجا توقف و بعد از آن معاودت بپاریس خواهد شد .

چون در فرانسه قرار است از پنج سال به پنج سال وکلای ملت عوض میشوند و چون مدت خدمت وکلای سابق بسررفته بود، بنا علیه از اول این ماه وکلا جدید می باشند و در روز یکشنبه آینده که ۲۱ ماه اوت مطابق ۲۹ شهر حال است وکلا از جانب ملت منتخب خواهند شد. اگرچه خواهان سلطنت در تلاش هستند که عدد وکلای هم خیال زیادتر بشود، ولی از قراریکه مشاهده میشود بواسطه تفرقه ای که در میان آنها هست یقین و آشکار است که طرف جمهوری کما فی السابق بسایرین غالب خواهد شد و پیشرفت کار جمهوریان از برکت اقتدار مسیو کابلتا است که محبوب القلوب عامه شده است. هرچه او میگوید ملت آن را می شنود. هرگاه روزگار باین منوال بگذرد، طولی نخواهد کشید که مسیو کابلتا بریاست جمهوری خواهد رسید. علی الحساب خواهان سلطنت مغلوب اند و هرچه دست و پا میکنند، از عهده جمهوریان نمی توانند برآیند، تا بعد از چند سال دیگر خداوند چه مقدر کرده باشد.

در سمت تونس که در نزدیک سرحد تریپولی است، اعراب بنای شورش را گذاشته مشغول ساخت و تازاند و در نواحی جنوب ایالت اوران هنوز عساکر فرانسه نتوانسته اند از عهده بوعمامه برآیند. از قراریکه خبر میرسد، معلوم میشود که عشایر تونس که در سمت مشرق سرحد کونستان نین هستند، مستعد شورش اند و از قرار مذکور باعث تحریک آنها دولت عثمانی است. دولت فرانسه

این فقره رافهمیده است، اما دولت عثمانی ابا دارد و قسم هامیخورد که روحش هم از این اوضاع خبر ندارد. خلاصه از وجنات احوال چنین استنباط میشود که کار آنها بجای نازک کشیده است و اگر چه بالاخره عساکر فرانسه از عهده شورشیان برخواهند آمد، ولی علی العجالة اسباب فساد بطوری فراهم است که باعث ضرر و خسارت دولت فرانسه شده و میشود و هیچ معلوم نیست که نائره این فتنه کی خاموش و رفع خواهد شد.

۲۵ شهر رمضان ۱۲۹۸

عریضجات مورخه ۳ شوال المکرم ۱۲۹۸ نمره ۱۷۴ مشتمل بر چهار طغرا

خداوندگارا تعلیقه جات رفت آیات مورخه سلخ شعبان المعظم که از روی مرحمت و بنده نوازی در جواب عرایض فدوی عز صدور یافته بود، شرف وصول ارزانی داشت. از زیارت آنها که سر اپامملو از مراحم بیکران بود، نهایت سرافرازی و مفاخرت حاصل شد. ضمناً از خوش سلوکی و از سبک و سیاق و حسن نیت مسیولکننت رفائیل دوویل کاستل شارژدافر فرانسه مقیم دارالخلافه و از رضائیت و خشنودی خاطر جناب مستطاب اجل بندگانعالی از موافقت و دوستی خالص و بی غرض مشارالیه در انجام امورات اتفاقیه اشاره نموده، امر و مقرر فرموده بودند که مراتب رضائیت و خوشوقتی که از طرز سلوک و رفتار او حاصل است بجناب مسیو سنت هلر وزیر امور خارجه دولت فراتسه، کاملاً بیان و اظهار نمایم. چون در روز وصول تعلیقه جات قدری نقاهت مزاج داشتم و حرکت برای فدوی غیر مقدور بود، فی الفور بمقرب الخاقان میرزا احمدخان مستشار این سفارت کاغذ نوشته تعلیمات لازم را دادم که رفته جناب معزی الیه راملاقات نموده، شرح احوال را موافق دستور العمل آن خداوندگاری بیان

نماید. مقرب الخاقان مشارالیه نیز بطور خوب از عهده مأموریت برآمده و این قسم اقدام مایه مسرت خاطر جناب بارتلمی سنت هلر شده بود. سه روز بعد از آن یعنی بعد از رفع نقاقت از میرزا احمد خان تلگراف رسید که حاجی محمد باقر وارد پاریس شده است. بمحض وصول این خبر خود این فدوی نیز عازم پاریس شده و بمجرد ورود بوزارت امور خارجه رفته، آن تعریف و توصیف مقرری را درباره مسیو لکنت دویل کاستل هم در پیش وزیر امور خارجه و هم در نزد مسیو دشوزرویل معاون وزارت خارجه و مسیو دکورسیل رئیس اداره پولتیکیه تجدید نمودم و این اقدام مجدد در نزد حضرات باعث مزید تحسین شد. البته خبر این اقدامات متواتره بخودشارژر دافر خواهد رسید و مایه خشنودی خاطر مشارالیه خواهد شد. چنانکه عرض شد مقصود فدوی از رفتن بپاریس و از آنجا بوزارت امور خارجه این بود تدبیری بکار ببرم که بلکه حاجی محمد باقر را بواسطه عدم ادای طلب حاجی علینقی چند روزی بحبس بیاندازند و بنا بر این احوال شرح گزارشات را من البدوالی الختم در وزارت امور خارجه بیان کرده و تقلب حاجی محمد باقر را بطوری اظهار نمودم که دیگر تردیدی در تقلب او باقی نماند. خلاصه در مقابل آنهمه بیانات و اظهارات فدوی همینقدر جواب دادند که موافق قوانین جدیده که از هفت سال قبل مقرر شده است مدیون را برای عدم ادای قرض خود در خاک فرانسه محبوس نمی کنند. گفتم پس چاره چیست؟ گفتند باید سررشته این کار بیک نفر وکیل رجوع و باو دستور العمل داده بشود در صورتیکه حاجی محمد باقر در منزلش چیزی داشته باشد، بحکم دیوانخانه مخلفات و مایملک او را خود عدالتخانه مهربزند تا اینکه بعد از مرافعه و در صورتیکه طلب حاجی علینقی ثابت شد، اسباب مزبور بفروش برسد و بطلبکار عاید شود. بعد از این گفتگو

لابد و ناچار بایک نفر وکیل تفصیل احوال بیان نمودم. اوهم بهمین طورها جواب داده وبعلاوه گفت که هرگاه اطاق حاجی محمدباقر را مهر بزنند و مال نداشته باشد او بهمین جهت مفلس بقلم خواهد رفت و بعد از این در خاک فرانسه حق مطالبه طلب از او ساقط خواهد شد. چون شنیدهام و میدانم مومی‌الیه چیزی همراه ندارد بعد از مشاوره باصاحب منصبان این سفارت قرار براین شد که تامراجعت حاجی محمد رحیم، عمل بدیوانخانه رجوع نشود. بعد از دو روز دیگر حاجی مشارالیه می‌آید تا ببینم چه باید کرد. در آن دو روز توقف در پاریس حاجی محمدباقر را بسفارتخانه احضار و او را زیاد ملامت نموده و تهدیدات لازم را باو کردم که حق مردم را باید بدهد. در جواب قسم‌ها می‌خورد که در ادای قرض خود حرفی ندارد و آنچه مال داشت از قبیل فیروزه و شال و غیره همه در صندوق حاجی محمد رحیم ضبط است و از قراریکه می‌گوید قیمت مال ضبط شده معادل دوازده هزار فرانک است وبعلاوه آن، مطالبه حق بیست ماه خدمت را میکند. از دست حاجی محمد رحیم شاکی است و آشکارا می‌گوید که باعث‌خانه خرابی او حاج مشارالیه شده است. حالا حاجی محمد رحیم، بیاید به بینیم او چه می‌گوید اگرچه چندان بحرف این جور مردم نمیتوان باور کرد، ولی چاره دیگر نیست، هرگاه حبس و جوب و فلك در کار بود این طلب حاجی علینقی اینقدرها بعهدہ تعویق نمی‌افتاد و هرگاه حاجی محمدباقر درخانه‌ای که منزل کرده چیزی می‌داشت بحکم دیوانخانه میدادم اطاق او را مهر میزدند، اما چیزی ندارد و این کار هم بقدر پنجاه شصت تومان خرج دارد و بیموده از کیسه می‌رود. اگر میدانستم این کار ثمر خواهد داشت این پنجاه شصت تومان را از جیب خودم خرج می‌کردم تا از برای حاجی علینقی و دیگران ثابت بشود که در ادای تکالیف ماموریت و در انجام فرمایشات اولیای

دولت علیه و باقتضای تکالیف مأموریت هرگز از جان هم مضایقه نداشته و نخواهم داشت و انگهی از ده سال بده سال يك چنین کاری در اینجاها رو میدهد چطور میشود که چنین موقع را غنیمت نشمارم و چنین کار را نگذرانم و به ده يك آن منتفع نشوم. باری منتظرم حاجی محمد رحیم بیاید تا ببینم چه قراری در این باب داده خواهد شد. انشاء الله تفصیل احوال را همینکه رسید مفصلاً بعرض مبارک خواهم رسانید.

پیش از ورود حاجی محمد باقر پاریس، زن او بسفارتخانه آمده و کالت نامه آورده بود که در دفتر سفارت امضاء شود. مقرب الخاقان میرزا احمدخان و کالت نامه را گرفته و تفصیل احوال بقدوی نوشته بود که تکلیف چیست؟ در جواب نوشتم که به ضعیفه بگوئید که وکالت نامه را شوهرش بیاورد. مقصودم این بود که حاجی محمد باقر را بسفارت بیاورم. ضعیفه گفته بود شوهرم نگریخته است، با سپانیا رفته همینکه وارد شد بسفارت خانه خواهد آمد، همین طور هم شد. در این اثنا مدعیان بحاجی محمد رحیم نوشته بودند که زن حاجی محمد باقر بسفارتخانه آمده و بعضی اسناد همراه خود آورده که بامضای سفارت برساند و میرزا احمدخان اسناد را پس داده بود و اتهام هم زده بودند و حاجی محمد رحیم که پی بهانه میگردد این دروغ را مثل سایر فقرات يك داستان خواهد کرد و برای تبرئه ذمه خود همه تقصیرها را بگردن ما خواهد انداخت، اما بوحدهت خداوندی قسم است که سندی در کار نبوده است و آن وکالت نامه بکار نمی خورد که ضبط شود و انگهی ضعیفه از آن ضعیفه های بی رو و بی حیای دنیا است و يك بلائی بر سرمیرزا احمدخان آورده که نزدیک بود میرزا احمدخان از سفارتخانه بگریزد. باری حقیقت مطلب همان است که در عریضجات سابقه و

امروز عرض شد و هرچه حاجی محمد رحیم می نویسد همه دروغ و معلل بغير است و حقیقت ندارد، زیرا که او میداند در اینجا حبس و چوب و فلك در کار نیست و با وصف این احوال برمی دارد هر روز به برادرش هزار دروغ می نویسد، آخر نمی فهمم چرا باید در وصول طلب حاجی علینقی خودداری داشته باشم! آنچه از دستم برمی آید در سفارش حاجی محمد رحیم و در تکذیب حاجی محمد باقر شهادت نامه ها نوشته و کاغذها بمهر سفارت بامضای خود رسانده ام؛ با وصف اینها باز معلوم میشود که حاجی محمد رحیم از دست سفارت شکایت می نویسد. هفت سال پیش از این يك همچنین کاری با جلیل داشت. چه قدر مشقت کشیدم تا اینکه بقدر هزار تومان تنخواه سوخته را از جگر جلیل بیرون آوردم. یعنی مال داشت، بحکم دیوانخانه دادم مال او را مهر کردند و بعد از اثبات طلب مال حراج و به حاجی کار سازی شد. بعد از چنین خدمت بزرگ در آنوقت برداشت بطهران نوشت که کار جلیل را من گذراندم؛ ده يك را سفارت برد. خلاصه حاجی محمد رحیم از این حالت اشتباه کاری را دارد و چون کارها را او خراب کرده است حالا میخواهد تقصیر را برگردن ماها بیاندازد با وجود این احوال خدا خودگواه است که آنچه تکلیف ماموریت است بکار برده و خواهم برد. اما نمی فهمم چرا در مقابل این محبت ها باز هم حاجی محمد رحیم این قدر اشتباه کاری می نماید و برادر او بحرف او باور می کند. مقرب الخاقان میرزا احمدخان و حاجی ابوالفتح شاهد حال اند، محرمانه از آنها استفسار فرمایند، حقیقت احوال را بعرض میرسانند، آنوقت معلوم خاطر خطیر جناب مستطاب اجل بندگان عالی خواهد شد که مغرب این کارها خود حاجی محمد رحیم است و ماها بجز خدمت تقصیر دیگر نداریم. علی الحساب کاغذی را که میرزا احمدخان در این باب پیش از ورود حاجی محمد باقر بندوقی

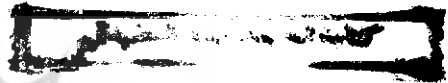
کتابخانه و موزه آستان قدس

نوشته بود، لفاً میفرستم که از حقیقت احوال آگاهی حاصل فرمایند.

در باب نظام نامه دولت فرانسه دائر باداره جنگلها بهمان قسمی که امر شده است يك نسخه تحصیل نموده میفرستم. بچند نفر از دوستان معتبر نوشته ام که بهترین نظام نامه ها را برای فدوی پیدا کرده بفرستد. بدبختانه اکثر از مردم در این فصل تابستان درییلاق و در شکاراند و بهمین واسطه مکاتبه و سؤال و جواب بمعهد تأخیر می افتد، اما امیدوارم عنقریب بوصول نظام نامه مزبور برسم و انشاءالله همینکه رسید بلادرنگ انفاذ حضور مبارک خواهد شد.

۳ شوال ۱۲۹۸

*



در باب نشانهایی که از دربار حضرت پاپ برای آن چند نفر صاحب منصب وزارت جلیله و سفارت سنیه تحصیل شده بود، هیچ تقصیر ندارم، زیرا که بمحض وصول تعلیقه جات فرانسوی العبارة اسامی حضرات راکه در بین آنها قید شده بود نوشته و بجناب ایلچی پاپ تبلیغ نموده بودم و بعد از وصول احکام ثانوی کار از کار گذشته بود والا ابدأ خود را بانجام يك کاری که بدانم خلاف رأی مبارک است دخیل نکرده و نخواهم کرد. خلاصه در وهله اول از مضمون آن تعلیقه جات فرانسوی العبارة گول خوردم و بدبختانه این کار برخلاف رأی خودم هم باین نحوست گذشته است و حالا باوصف این پیشیمانی و ندامت، هرگاه عوض آنها بآن تفصیلی که معروض شده است نرسد، بالکلیه ضایع خواهم شد. بعد از این اعتباری برای فدوی در هیچ جای عالم باقی نخواهد ماند. در باب نشانهای اسپانیول گفتگو کرده ام و برای اینکه قول فدوی هوائی و بی اعتبار نباشد، این معاوضه هم بالتفات و مرحمت جناب مستطاب بندگانعالی باید بگذرد و چون

فهمانده‌ام که محتملاً در اسامی اشخاص تغییر و تبدیل خواهد شد ، منتظر سیاهه ثانوی هستند. استدعا دارم قدغن فرمایند اسامی صاحب منصبانی را که مستحق این افتخار میدانند بفرستند تا اینکه موافق رأی مبارک برای آنها نشان تحصیل شود و نه برای اشخاصی که استدعای عفو و اغماض از آنها کرده بودم. اسباب و اشیاء فرمایشی سرکار نواب مستطاب اشرف والا حسام السلطنه را از یکماه متجاوز است که با تمام رسانیده و بخدمت جناب معین‌الملک فرستاده‌ام که از اسلامبول انفاذ دارالخلافه نماید .

عریضجات مورخه ۱۳ شهر شوال‌المکرم ۱۲۹۸ نمره ۱۷۵ مشتمل بر سه طغرا

خداوندگارا حاجی محمد رحیم از منچستر رسیده و بمحض اطلاع از ورود او پیاریس رفته و اورا و حاجی محمد باقر را بسفارتخانه احضار نمودم و گفتم که باید حکماً طلب حاجی علینقی را بدهد. حاجی محمد باقر اظهار افلاس میکند و میگوید وقتیکه داخل خدمت حاجی محمد رحیم شدم به این امید بودم که بعد از این همه خدمات و منافع که بحاجی محمد رحیم و حاجی محمد حسن رسانیده‌ام و موافق تعهدات خود حاجی محمد رحیم قرض مرا ادا خواهند کرد. گفتم اینها حرف مفت است، این ادعای شما در هیچ جامسموع نیست، اما از آنجا که نمیخواهم بشما صدمه بزرگ بخورد از شما سؤال میکنم همینقدر بمن بگوئید که بارخانه فیروزه و سایر اشیاء که در صندوق حاجی محمد رحیم موافق احکام این سفارت ضبط است چقدر ارزش دارد؟ مقصودم از این تحقیق این بود که هرگاه قیمت امانتهای مزبور به یکهزار و دویست تومان میرسد تتمه قرض اورا برگردن حاجی محمد رحیم بگذارم که بلکه این کار بمصالحه صورت انجام پذیرد. پیش از اینکه حاجی محمد باقر بیاید با حاجی محمد

رحیم در این باب گفتگو کرده بودم و بین الله حاجی محمد رحیم خوب کنار آمده و گفته بود بهر قسم که سفارت صلاح داند اطاعت خواهد شد، اما ادعای حاجی محمد باقر زیاد است، حق خود را بتمامه میخواهد و تمکین بمصالحه نمیکنند. نمیدانم دیوانخانه تجار تی ماریسی چگونه این عمل را اصلاح خواهد داد. خلاصه حالا از قراریکه معلوم شد حاجی محمد باقر برای تحصیل معاش میخواست بمکاره برود و تا مراجعت او از آنجا گویا حکم این عمل در دیوانخانه ماریسی داده بشود. معلوم است آنچه لازمه تقویت است از حاجی محمد رحیم حمایت خواهد شد.

عمل انتخاب وکلای ملت فرانسه صورت انجام پذیرفت. عدد جمهوریان چهار صد و شصت و هفت نفر است و عدد پادشاه خواهان فقط نود نفر است. معلوم است جمهوریان بسایر طبقات ملت غالب اند و هرچه بخواهند از پیش خواهند برد.

طغیان اعراب در تونس و در جزایر کمافی السابق در تزايد است. فرانسها هنوز هم از عهده یاغیگران نتوانسته اند برآیند، لکن در تدارك فرستادن لشگر بوده و هستند و گویا خیال دولت فرانسه بر این قرار گرفته است که قشون بآن صفحات بفرستند و ریشه شورشیان را بالکلیه در بیاورد و معلوم است با این خرج و مصارف و با این لشگر کشی از عهده آنها بر خواهد آمد، اما این کار خیلی گران تمام خواهد شد.

در جزو عرایض هفته گذشته عرض کرده بودم که بچند نفر از دوستان نوشته و خواهش کرده ام که در باب اداره جنگلها هر چه تنظیم و قانون نامه نوشته شده است معلوم نمایند و باین سفارت اطلاع

بدهند. از قراریکه جواب رسید، معلوم میشودکه در این باب يك كتاب بزرگ نوشته شده است که مشتمل بچهل جلد است و گویا هر جلدی بقدر يك کلیات سعدی است و قیمت آن چهل جلد رویهمرفته پنجاه الی شصت تومان است. چون خیلی گران و خیلی مطول است و بجز اهل خبره کس دیگر از عمده و ترجمه آن نمیتواند برآید، لهذا تا وصول احکام ثانوی جسارت بابتیاع آن ننمودم، اما علی الحساب يك قانون نامه مختصری بدست آورده و با پست امروز انفاذ حضور مبارك مینمایم. گویا دو کتاب دیگر هم هست که بوجه اختصار در باب تنظیم جنگلها نوشته شده است ولی کم یاب اند. سپرده ام از هريك از آنها يك جلد پیدا کنند، هرگاه بدست آمد میفرستم. در ضمن تعلیقه امر شده بود که اعتقاد خودم را در باب اداره جنگلها عرض نمایم. از آنجا که این اجازه بحدوی داده شده است بجزارت عرض می نمایم که ترجمه این جور کتابها بدون مدبر و بدون معلم قابل غیرمقدور است، بکار هم نمی خورد، در اینجاها برای پیشرفت این علم مدرسه های فلاح و زراعت و باغبانی هست و در آن مدارس شاگردهای با سواد پنج و شش سال تحصیل میکنند، تا اینکه بمقام استادی میرسند و در تنظیمات و اداره عمل جنگلها هم سررشته بهم میرسانند و بعد از آن داخل خدمت دولت میشوند. هرگاه در ایران هم این شیوه را پیش بگیرند، ترجمه کتاب و اداره عمل سهل میشود و الا بخواندن کتاب چنین اداره را نمیتوان از پیش برد. این علم زراعت و فلاح و باغبانی و جنگل مثل علم نظام و علم دوا سازی و صنعت ماهوت بافی و غیره میماند. در این علوم هم کتابها نوشته اند.

مثلا هرگاه کتاب علم نظام را کسی ترجمه نماید و بدون معلم بخواند، از اصطلاحات آن آگاه نشده باشد، نمیتواند اهل نظام و

صاحب منصب بشود. در این صورت چنانکه معلم نظام لازم است از برای علم فلاح و زراعت و باغبانی معلم قابل لازم است و الا بخواندن کتاب مشکل بلکه محال است کسی از عهدۀ ترجمۀ نظامنامه و اداره جنگلها برآید. چندی قبل بر این شخصی شرحی در باب عمل فلاح و زراعت و در باب کاشتن درخت و محاسن جنگلها و عمل فلاح و زراعت نوشته و باین سفارت آورده بود. هر چه نوشته است خیلی خوب نوشته و موافق عقل است و بکار ایران میخورد و متضمن منافع کلیه است، اما این کارها خرج دارد و هرگاه دولت ایران متحمل خرج نشود از هیچ چیزی نمی تواند منفعت بردارد. چون این حالتها را میدانستم ذکر این چیزها را نمی کردم. حالا که این مسئله پیش آمده است شرح مزبور را لفا میفرستم تا اینکه اهمیت این عمل معلوم خاطر اولیای دولت ابد مدت گردد و نتیجه آن بملت حاصل شود.

سیزدهم شوال ۱۲۹۸

عریضجات مورخه ۲۷ شوال المکرم ۱۲۹۸ نمرة ۱۷۶ مشتمل یک طغرا

خداوندگارا دو طغرا تلگرافنامه ای که در یکی در باب تحقیق قروض مقرب الخاقان میرزا سلیمانخان، دیگری در خصوص تعیین قیمت تفنگک شاسپو و تغییر و تبدیل آن بسبب تفنگک غرابود شرف وصول ارزانی داشت. چنانکه بموجب تلگراف عرض شد در مسافرت اول موکب همایون بفرنگستان فقط طلب مسیو براوه کارسازی و قبض وصول آن به حاجی مجیدخان که ناظر صدارت عظمی بود، تحویل شد و باید در جزو اسناد آن سفر باشد، اما در آن ایام طلب مسیو دولو و ساوالان خان و مسیو بریون کالسگچی در اینجا داده نشده است. هرگاه بعد از مراجعت موکب همایون در ایران داده شده باشد

آنرا اطلاع ندارم. در ششم شهر ربیع الثانی در فقره معامله هفتاد و نه هزار قبضه شاسپو که از جانب دولت فرانسه بتوسط یکنفر ثالث بدولت یونان بشانزده فرانک فروخته شده بود و بعد فسخ معامله شد مطالبی عرض کرده بودم. هرگاه در آن وقت بعد از رسیدن عریضه فدوی رای جهان آرا بندگان اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه بابتیاع آنها علاقه گرفته بودگویا در آنوقت خیلی مناسب تمام میشد، اما حالا از قراریکه خبر رسید معلوم میشود که دولت فرانسه آن هفتاد و نه هزار تفنگک شاسپو را بجهت همین هنگامه و شورش که در تونس و الجزایر برپاشده و هنوز هم باقی است خودش لازم دارد و میخواهد بکار ببرد. یا وصف این احوال باز هم مراسله مختصری بجناب مسیو بارتلمی سنت هلر وزیر امور خارجه دولت فرانسه بمضمونی که سواد آنرا لفا میفرستم نوشته در باب قیمت شاسپو اطلاع خواسته‌ام. در صورتیکه این مراسله نتیجه ببخشد و دولت فرانسه این تفنگها را بخواهد بما بفروشد البته صلاح دولت علیه بر این است که بدون تردید و بهرطور است آنها را بخرد. تغییر دادن آنها بسبک غراگویا چندان گران نباشد. از سایر جاها هم استحضارات خواسته‌ام. در بعضی جاها از این تفنگهای شاسپو که بسبک غرا تبدیل شده‌اند پیدا میشود، اما مقدار آنها بطوری قلیل و قیمت آنها بحدی گران است که نزدیک آنها نمی‌توان رفت. در باب قیمت آن تفنگها، متفرقه اطلاعات لازم را خواسته‌ام، همینکه جواب رسید بعرض مبارک میرسانم. در فقره هفتاد و نه هزار قبضه تفنگک شاسپو دولت فرانسه همینقدر عرض میکنم که تا بحال معلوم نشده است که اسقاط‌اند و باید آنها را اصلاح کرد و یا اینکه اصلاح

لازم ندارند، در صورتیکه اصلاح لازم باشد از شانزده فرانك گران تر تمام خواهد شد. در هر حال انشاءالله بمحض اینکه از وزارت خارجه اینجا جواب مساعد رسید، اطلاعات لازمه را تحصیل نموده، بعرض مبارك خواهم رسانید .

۲۷ شوال ۱۲۹۸

عریضجات مورخه ۲۵ ذی القعدة الحرام ۱۲۹۸ نمرة ۱۷۷ مشتمل بر چهار طغرا

خداوندگارا مسیو برتمه و مسیو ژیرار هر دو صراف و باهم شریک اند و در پاریس اعتبار کلی دارند. چند روز قبل براین، صورت قرارنامه ای که دایر باساس و بنای راه آهن در ممالک محروسه بود، باین سفارت آورده و خواهش مند شدند که بخاکپای مبارك اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه برسائیم. بعد از ملاحظه فصول قرارنامه مزبور معلوم شد که فصول آن باصرفه دولت علیه منافات ندارد، سهل است که متضمن منافع و فواید کلیه است و هرگاه بعون الله تعالی این قرارنامه مقبول خاطر بندگان اعلیحضرت اقدس شهمیریاری افتد و این کار بمبارکی و سعادت سر بگیرد زمانی نمی گذرد که اسباب مکنت و ثروت و آبادی و قوت و اقتدار چنانکه در ممالک اروپا و آمریکا بجهت احداث راه آهن فراهم آمده است در کل ایران نیز فراهم خواهد آمد و اوضاع حالیه بنحوی اصلاح خواهد یافت و بهمه جهت رفع احتیاج از خارجه خواهد شد. خلاصه چنانکه مکرر بعرض عالی رسیده است محاسن و فواید راه آهن برای ترقی يك ملت بسیار زیاد است. آنانی که باین فیض عظیم رسیده اند خوش—

بختاند، زیرا که از همه چیز مستغنی شده‌اند و باحدی احتیاج ندارند. کاش دولت ایران نیز باین کارخیر اقدام میکرد و مثل دول اروپ خود را از احتیاجات و شرورشور همسایگان آسوده میکرد. لذت این کار بعد از احداث راه آهن برای دولت و جمیع اهالی ایران مترتب خواهد شد. خداوند در این آخر عمر ما را از این فیض محروم نفرماید.

کتابخانه مدرسه نخبه‌ها

بتاریخ هفتم جمادی الاخری سنه ۱۲۹۷ در جواب اطلاعاتیکه جناب اشرف سپهسالار اعظم در باب قروض مقرب الخاقان میرزا سلیمانخان خواسته بودند، شرحی معروض داشته بودم. سواد آنرا اینک لفاً انفاذ میدارم. در همان وقت اشاره کرده بودم که مسیودولو تبعه دولت روس است و در اول وهله سررشته طلب تنخواه خود را بسفارت روس رجوع کرده بود، چون از آنجا مأیوس شده اشتباه‌آکار خود را بسفارت فرانسه حواله کرده است. بعد از وصول تعلیقه آخری آن خداوندگاری بوزارت امور خارجه رفته و در آنجا این فقره را بروز داده‌ام و هرگاه این اقدام فدوی را تصدیق فرمایند و در طهران هم این عذر را پیش بیاورند دولت فرانسه خود را کنار خواهد کشید و بهیچوجه من الوجوه مداخله بعمل تبعه خارجه نخواهد کرد و همین که مسیودولو از دولت فرانسه مأیوس شد کار خود را بسفارت دولت علیه رجوع خواهد کرد و در چنین موقع می‌توان او را به تنخواه قلیلی از سر باز کرد. تدبیری که حالا برای رفع دردسر جناب مستطاب بندگانعالی بخاطر آمد همین است که عرض شد و گویا تدبیر بهتر

از این نباشد. حالا منتظر جوابم که از آن قرار رفتار نمایم .

در باب تفنگک شاسپو چنانکه از بیلاق عرض شد بجناب مسیو-
بارتلمی سنت هلر وزیر امور خارجه مراسله نوشته در خصوص
قیمت آنها اطلاعات خواسته بودم. جناب معزی الیه در جواب همینقدر
نوشته که تفنگک شاسپو برای فروش باقی نمانده است. گویا خودشان
تفنگها را لازم دارند و نمی خواهند بفروشند. از جاهای دیگر نیز
اطلاع خواسته بودم، از قراریکه خبر رسید بقدر ده هزار قبضه
تفنگک تازه که مبدل بسبک کرا شده اند در بلچیکا حاضر و موجود
است و بهمه جهت مثل تفنگک تازه کرا ممتازاند و مثل اینکه از
کارخانه تازه بیرون آمده باشد، اما هر یکی را از سی و پنج فرانک
نمی خواهند کمتر بدهند. هرگاه رأی اولیای دولت بابتیاع آن ده
هزار قبضه علاقه بگیرد باید وجه قیمت آنها را که معادل سیصد و
پنجاه هزار فرانک است بزودی باینجا برسانند که تا در دست است
خریده شود والا هرگاه وجوهات بموقع نرسد، این تفنگها از دست
خواهد رفت. قیمت صندوق و کرایه از اینجا الی بندر بوشهر تخمیناً
سی هزار فرانک میشود و این تنخواه باید بروی قیمت تفنگک کشیده
شود که من حیث المجموع باید سیصد و هشتاد هزار فرانک برسد
که تفنگها راه بیفتد .

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

از قراریکه مذکور شد گویا مسیو دوپیل کاستل شارژدافر در حساب و کتابش نظم درستی ندارد و دربرات پرانی زیاده روی کرده است و این معنی باعث انزجار خاطر اولیای دولت فرانسه از مشارالیه شده است و بهمین دلیل در این روزها مسیو دبالوا را که سابقا هم در طهران شارژ دافر بوده است بجای مسیو دوپیل کاستل مامور کرده اند. درحقیقت مسیو دبالوا بجای تریکو مامور است، اما از آنجا که مسیو تریکو هنوز هم استعفای خود را از وزیر مختاری طهران نداده است و چون نمیخواهند او را برنجانند، لہذا علی-الحساب مأموریت وزیر مختاری بمسیو دبالوا نداده اند و موقتاً بسمت شارژدافر مامور است و گویا بعد از آنکه مدتی باصل مأموریت وزیر مختاری که الان لقب آن باو مرحمت شده است باقامت طهران برقرار خواهد شد. آدم خیلی خوب و بسیار ملایم و با علم است و از قراریکه در وزارت امور خارجه اینجا مذکور شد، در آن زمان که مسیو دبالوا شارژدافر بود، در طهران همه را بجز دکتر طونوران از خودراضی و ممنون کرده است و چون حکیم باشی عداوت شخصی باین مأمور فرانسه دارد آنچه بگوید محل اعتنا نخواهد شد. خلاصه مسیو دبالوا آدم خیلی خوبی است و بهتر از مسیو دوپیل کاستل رضای خاطر اولیای دولت را بعمل خواهد آورد.

۲۵ ذی القعدة ۱۲۹۸